

# چرا اصلاحات دموکراتیک در آسیای مرکزی کارگر نیفتاده است؟

دکتر عنایت‌الله یزدانی\*

## پیشگفتار

استقرار سیستم و نهادهای دموکراتیک می‌انجامد. نکته مهم این است که برخلاف پیش‌بینی‌ها، دور شدن جمهوریهای آسیای مرکزی از یک نظام متمرکز سوسیالیستی، زمینه‌ساز تحولات دموکراتیک در آنها نشده است، و با افکندن نگاهی به اوضاع سیاسی و اجتماعی این جوامع می‌توان دریافت که آنها تا استقرار یک نظام سیاسی دموکراتیک راهی دراز در پیش دارند و حرکتشان در این راه بسیار کند و همراه با دشواریها و چالشهای بسیار بوده است و خواهد بود. در بررسی ریشه‌های این کندی حرکت می‌توان به مواردی چند اشاره کرد. بسیاری از این موارد از مسائل و مشکلات داخلی این جوامع مایه می‌گیرد و برخی نیز از نفوذ قدرتهای منطقه‌ای و بین‌المللی. در این میان نقشی که رهبران سیاسی این جوامع بازی کرده‌اند بسیار برجسته و در توجه است. پرسش این است که آیا این رهبران در زمینه

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱، پنج جمهوری ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان در آسیای مرکزی سر بر آوردند. با توجه به چندچون روابط این جمهوریها با دولت مرکزی در دوران اتحاد جماهیر شوروی و اوضاع سیاسی-اجتماعی آنها، مهمترین مسأله برای این جوامع پس از استقلال، فرایند ملت-دولت سازی بود. از همین رو از اواخر ۱۹۹۱ تاکنون اصلاحات سیاسی-اقتصادی بعنوان یک گفتمان مهم و درخور توجه در مورد این جمهوریها مطرح بوده است. اما پرسش اساسی این است که آیا گذار از وابستگی به نظام سوسیالیستی شوروی به استقلال در این کشورها، مایه پیشرفت به سوی اصلاحات دموکراتیک شده است؟ در اینجا منظور از اصلاحات دموکراتیک اصلاحاتی است که به

مسئولیت‌هایی که داشته‌اند يك سیستم کمونیستی استوار بر کنترل مرکزی سیاست را تجربه کرده‌اند. این رهبران بعنوان اعضای بلند پایه حزب کمونیست در کشورهايشان نقش داشته‌اند. اسلام کریم‌اف، صفرمراد نیازف و نور سلطان نظر بایف رؤسای جمهوری ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان رهبری حزب کمونیست در جمهوریهای پیشین را عهده‌دار بوده‌اند. همچنین امام علی رحمان‌اف، رییس جمهوری تاجیکستان، از مقامات رسمی پیشین حزب کمونیست در منطقهٔ کلب بوده است.<sup>۳</sup> تنها عسکر آقایف، رییس جمهوری پیشین قرقیزستان، به حزب کمونیست وابسته نبوده است. گرچه از برخی جهات او هم می‌توانست یکی از نخبگان روشنفکر در نظام کمونیستی به‌شمار آید، ولی آقایف بعنوان رییس جمهوری دیده می‌شد که توانسته بود زمینهٔ اصلاحات سیاسی و اقتصادی را در قرقیزستان فراهم سازد. از همین‌رو نیز غربیها قرقیزستان را «جزیرهٔ دموکراسی» و آقایف را «مرد دموکراسی» خواندند.<sup>۴</sup> گفتنی است که موضوع اصلاحات تا نیمهٔ دههٔ ۱۹۹۰ مورد نظر آقایف بود اما از آن پس او هم رفته رفته اصلاحات کمابیش دموکراتیک را کنار گذاشت و بدین‌سان فعالیت احزاب سیاسی در آن جمهوری نیز

تحوّلات دموکراتیک نقش مثبت داشته‌اند یا منفی؟ در این نوشتار تلاش شده است ضمن بررسی و تجزیه و تحلیل نقش و تأثیر نخبگان سیاسی حاکم در جمهوریهای آسیای مرکزی در فرایند اصلاحات دموکراتیک، به این پرسش پاسخ داده شود. مفروض این است که ویژگیها و رویکرد نظام رهبری در این جوامع به گونه‌ای بوده که مانع از دگرگونیهای سریع، چشمگیر و کارساز سیاسی در آنها شده است. این رهبران بیش از آنکه نقش مدیریتی مثبت و در راهبری کشورهای منطقه به سوی تحوّلات دموکراتیک و سیاسی داشته باشند، همواره به گونهٔ عاملی بازدارنده، این جوامع را از دستیابی به پیامدهای دموکراسی راستین دور نگه داشته‌اند.

### نظام رهبری در جمهوریهای آسیای مرکزی

در میان دشواریهای گوناگونی که پس از استقلال، فراروی جمهوریهای آسیای مرکزی بوده، شاید معضل نظام رهبری سیاسی بیش از هر چیز دیگر بر روند اصلاحات در آن جوامع اثر منفی داشته است. از هنگام استقلال تاکنون، این کشورها را نخبگانی سیاسی اداره کرده‌اند که شخصیت و اندیشهٔشان در سایهٔ آموزه‌های کمونیستی شکل گرفته است. چنین ذهنیت و بافت فکری مارکسیستی در حقیقت به این رهبران اجازهٔ اندیشیدن دربارهٔ سیاستهای باز و دموکراتیک را نداده است. در حالی که همهٔ رهبران این جمهوریها در نشست ۱۹۹۲ سازمان امنیت و همکاری اروپا، پایبندی خود را به تلاش برای تحقق نظام دموکراسی اعلام کرده و قول داده بودند نظام دموکراتیک در کشورهايشان برپا دارند و آنرا تنها جایگزین نظام کمونیستی بشمارند،<sup>۱</sup> اما در عالم واقع و در عمل گامی بنیادی به سوی دموکراسی برنداشتند.

مشکلی که در مورد این رهبران وجود دارد این است که آنان به نظام و فرهنگ سیاسی سوسیالیستی وابسته‌اند و چارچوب نظام فکری-سیاسی‌شان بر پایهٔ يك سیستم توتالیتر و بسته شکل گرفته است. آنان در سایهٔ آموزه‌های حزب کمونیست به آموزهٔ مدیریتی سوسیالیستی خو گرفته‌اند.<sup>۲</sup> مهمتر اینکه به علت نوع

○ برخلاف پیش‌بینی‌ها، دور شدن جمهوریهای آسیای مرکزی از يك نظام متمرکز سوسیالیستی، زمینه‌ساز تحوّلات دموکراتیک در آنها نشده است، و با افکندن نگاهی به اوضاع سیاسی و اجتماعی این جوامع می‌توان دریافت که آنها تا استقرار يك نظام سیاسی دموکراتیک راهی دراز در پیش دارند و حرکتشان در این راه بسیار کند و همراه با دشواریها و چالشهای بسیار بوده است و خواهد بود.

بشر از اصول بنیادین حکومت قرقیزستان در سده بیست و یکم است.<sup>۷</sup> با وجود تظاهراتی اصلاح طلبانه از این دست، تا نیمه دهه ۱۹۹۰ از گرایش آقایف به تحولات دموکراتیک سخن می‌رفت. اما از آن پس دگرگونی در خور توجهی در قرقیزستان دیده نشده است.

در واقع برخلاف چنین مانیفست‌هایی، رهبران سیاسی منطقه در عمل گونه‌ای نظام سیاسی غیردموکراتیک را پی‌ریزی کرده‌اند. در چنین نظامی، تمرکز بیش از اندازه قدرت در دست نخبگان سیاسی حاکم، نظام رهبری در این جوامع را بیش از پیش به سوی «کیش شخصیت» (personality cult) رانده است.

بافت فکری تمرکزگرای کمونیستی رهبران کشورهای آسیای مرکزی و برجستگی کیش شخصیت در میان آنان سبب شده است که در این جمهوریها یک نظام «سویر-ریاست جمهوری» پدید آید که در آن امکان تقسیم و تعادل قدرت وجود نداشته باشد. برای نمونه، حکومت نظربایف از سوی یکی از مخالفان دولت در پارلمان قزاقستان یک رژیم «سویر ریاستی» توصیف شده است که در آن «رییس جمهور در مورد همه چیز تصمیم می‌گیرد».<sup>۸</sup> به عبارت روشن‌تر، هیأت حاکم در این جمهوریها با متمرکز بودن قدرت در نهاد ریاست جمهوری، به دیگر نهادهای اجتماعی اجازه سهیم شدن در قدرت را نمی‌دهند. برجسته‌ترین نمادهای کیش شخصیت را می‌توان در نیازف یافت. تمثالها و تندیسهای بزرگ او که به خود لقب «ترکمان باشی» به معنای «پدر ترکمنها» داده است، در جای جای پایتخت (عشق‌آباد) و دیگر مناطق چشم بینندگان را خیره می‌کند.<sup>۹</sup> بسیاری از اماکن عمومی نام او را بر خود دارد و مهمتر اینکه نیازف حتی برخی از ماههای سال و روزهای هفته را نیز به نام خود یا مادرش کرده است.

طبیعی است که در چنین نظام‌هایی، حقوق مدنی و آزادی فعالیت احزاب سیاسی و مطبوعات جایگاهی نداشته باشد. و تنها تاجایی از این حقوق پشتیبانی شود که به سود هیأت حاکم باشد.

نکته دیگر در مورد رهبران سیاسی این جوامع این

○ در میان دشواریهای گوناگونی که پس از استقلال، فراوی جمهوریهای آسیای مرکزی بوده، شاید معضل نظام رهبری سیاسی بیش از هر چیز دیگر بر روند اصلاحات در آن جوامع اثر منفی داشته است. از هنگام استقلال تاکنون، این کشورها را نخبگانی سیاسی اداره کرده‌اند که شخصیت و اندیشه‌شان در سایه آموزه‌های کمونیستی شکل گرفته است. چنین ذهنیت و بافت فکری مارکسیستی در حقیقت به این رهبران اجازه اندیشیدن درباره سیاستهای باز و دموکراتیک را نداده است.

ممنوع شد. بسیاری از رهبران گروههای اپوزیسیون تبعید شدند و رژیم آقایف با برخوردهای جدی و انتقاد مطبوعات روبه‌رو شد.<sup>۵</sup>

بدین سان با توجه به رویکرد یکسره تمرکزگرایانه و گرایش ویژه نخبگان سیاسی حاکم در منطقه به اصول و هنجارهای کمونیستی، تحقق یک نظام سیاسی استوار بر انتخابات آزاد، تعدد احزاب، قدرت محدود رییس جمهوری یا حتی رسانه‌های مستقل در این جمهوریها پدیده‌ای دست نیافتنی به نظر می‌آید. بر پایه گزارش «خانه آزادی» در پایان ۱۹۹۶، تاجیکستان و ترکمنستان در شمار کشورهای پدیده‌اند که غیردموکراتیک‌ترین رژیم‌ها را داشته‌اند.<sup>۶</sup>

### چالشها در نظام رهبری منطقه

همه رهبران جمهوریهای آسیای مرکزی از هنگام استقلال تاکنون به ظاهر گرایش به نگارش یک مانیفست سیاسی-فلسفی نشان داده‌اند. برای نمونه، آقایف در یکی از کتابهایش ضمن استناد به نظریه‌های هایک و شومپیتر نوشت که آزادی، دموکراسی، و رعایت حقوق

به ثبت می‌رسید.<sup>۱۷</sup> برخی تحلیلگران بر آنند که رفتارها و سیاستهای خشن در برابر جنبشهای اسلامی و تلاش رهبران این جمهوریه‌ها برای جلوگیری از اصلاحات دموکراتیک، خود به گونه‌ای فعالیت‌های تند اسلامی را دامنه‌دار کرده است.<sup>۱۸</sup> با این حال، بر سر هم، ترس از فعالیت گروه‌هایی اسلامی چون جنبش اسلامی ازبکستان ("Islamic Movement of Uzbekistan" "IMU") و «حزب التحریر» و به کار گرفتن سیاستهای انقباضی در برابر آنها نشان دهنده غیر دموکراتیک بودن رهبران سیاسی در آسیای مرکزی است.

در این زمینه باید به نکته دیگری اشاره کرد و آن پشتیبانی برخی قدرتها بویژه ایالات متحده آمریکا از این رهبران، در راستای تشویق آنان بر ضد جنبشهای اسلامی است. واشنگتن بارها آشکارا از دولتهای منطقه در روند مبارزه با این جنبشها پشتیبانی سیاسی-امنیتی و مالی کرده است. چنین سیاستی با رویدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و به دنبال آن راه افتادن باصطلاح جنگ با تروریسم بیشتر مورد توجه دولتمردان آمریکا قرار گرفت. ترس واشنگتن از راهیابی طالبان و القاعده به این جمهوریه‌ها و همکاری برخی گروههای اسلامی در منطقه با آنها موجب شد تا دولتمردان آمریکایی

○ در عمل رویکرد ضد اسلامی یا دست کم ضد اسلام سیاسی دولتها در آسیای مرکزی موجب شده است که فعالیت‌های اسلامی به زیرزمین کشیده شود و حتی این جمهوریه‌ها با چالشهای امنیتی روبه‌رو شوند. تحلیلگران، بمب‌گذارها در ۱۹۹۹ و ۲۰۰۱ در تاشکند پایتخت ازبکستان را که به زخمی و کشته شدن شماری از شهروندان انجامید، واکنشی در برابر سیاستهای خشن رژیمهای منطقه می‌دانند.

است که آنان گسترش و رشد اسلام سیاسی را خطری بزرگ می‌شمارند. این رهبران با بزرگ‌نمایی رادیکالیسم اسلامی آنرا تهدیدی جدی معرفی کرده‌اند تا سیاستهای خشن و غیر دموکراتیک خود را توجیه نمایند.<sup>۱۹</sup> این نخبگان سیاسی با بزرگ‌نمایی عامل مذهب در آسیای مرکزی و نقش دیگر کشورهای اسلامی در خیزشهای مردمی در منطقه، کوشیده‌اند اسلام سیاسی را سرکوب کنند.<sup>۲۰</sup>

در عمل رویکرد ضد اسلامی یا دست کم ضد اسلام سیاسی دولتها در آسیای مرکزی موجب شده است که فعالیت‌های اسلامی به زیرزمین کشیده شود<sup>۲۱</sup> و حتی این جمهوریه‌ها با چالشهای امنیتی روبه‌رو شوند. تحلیلگران، بمب‌گذارها در ۱۹۹۹ و ۲۰۰۱ در تاشکند پایتخت ازبکستان را که به زخمی و کشته شدن شماری از شهروندان انجامید، واکنشی در برابر سیاستهای خشن رژیمهای منطقه می‌دانند.<sup>۲۲</sup>

رهبران این جمهوریه‌ها زیر پوشش مبارزه با حرکت‌های تند اسلامی، با شیوه‌های خشونت‌آمیز هر گونه فرصت برای فعالیت‌های سیاسی و مذهبی را از این جوامع گرفته‌اند و به بهانه جلوگیری از خونریزی، کاربرد بیش از اندازه قدرت خود را توجیه می‌کنند. برای نمونه، کریم‌اف درباره گروههای اسلامی گفته است: «چنین کسانی باید با گلوله کشته شوند، اگر لازم باشد من خودم آنها را خواهم کشت.»<sup>۲۳</sup> جالب اینکه او می‌گوید مخالفانش شاید او را «دیکتاتور» بخوانند، اما آشکارا اعلام می‌کند که: «آری تأکید می‌کنم که کارهای من گونه‌ای دیکتاتوری است، اما من برای منافع اقتصادی و مصالح مردمان اینگونه عمل کرده‌ام.»<sup>۲۴</sup> بر پایه چنین نگرشی دولت تاشکند تاکنون صدها تن از مسلمانان را به جرم فعالیت‌های اصول‌گرایانه یا به اتهام وهابی‌گری بازداشت و زندانی کرده است؛ شماری از مساجد و مدارس علمیه بسته شده و بسیاری از روحانیون به زندان انداخته یا تبعید شده‌اند.<sup>۲۵</sup> مهمتر اینکه در مه ۱۹۹۸ پارلمان ازبکستان یا «اولی مجلس» (Oly Majlis) قانونی دربرگیرنده یک رشته سیاستهای تند در برابر گروهها و جنبشهای اسلامی تصویب کرد. بر پایه این قانون همه مساجد و گروههای مذهبی با بیش از صد عضو می‌باید

سربوش بگذارند.<sup>۲۶</sup> نوربالا ماسان اف، از مخالفان فعال دولت قزاقستان می گوید: «رژیمهای منطقه انتظار داشتند همکاری شان با آمریکا [در جنگ با تروریسم] موجب شود که واشنگتن چشمان خود را بر رفتارهای غیردموکراتیک آنها ببندد.»<sup>۲۷</sup> همچنین، میرجان ماشان، مدیر مرکز مطالعات استراتژیک در قزاقستان، درباره همکاری کشورش با غرب در جنگ افغانستان می گوید قزاقستان زیر فشار آمریکا به سوی همکاری با واشنگتن در جنگ افغانستان گام برداشته است، به این امید که از شرایط سیاسی ناگوار در قزاقستان کمتر انتقاد شود.<sup>۲۸</sup> گذشته از اسلام سیاسی، دو عامل دیگر در خودداری رهبران جمهوریهای آسیای مرکزی از دست زدن به اصلاحات دموکراتیک مؤثر بوده است: درگیریهای قومی و سرازیر شدن مواد مخدر از افغانستان به این کشورها. رژیمهای حاکم با عنوان جلوگیری از درگیریهای قومی و ترافیک مواد مخدر، بی توجهی به حقوق اساسی شهروندان را توجیه و در عمل اصلاحات دموکراتیک را از دستور کار سیاسی کنار گذاشته اند.<sup>۲۹</sup> دولتمردان آشکارا بر آن بوده اند که درگیریهای قومی در تاجیکستان می تواند به دیگر جمهوریها کشانده شود. برای نمونه، کریم اف در ۱۹۹۲ جنگ داخلی را «بمب ساعتی» خواند که می تواند به «درگیری دیگری مانند

○ گذشته از اسلام سیاسی، دو عامل دیگر در خودداری رهبران جمهوریهای آسیای مرکزی از دست زدن به اصلاحات دموکراتیک مؤثر بوده است: درگیریهای قومی و سرازیر شدن مواد مخدر از افغانستان به این کشورها. رژیمهای حاکم با عنوان جلوگیری از درگیریهای قومی و قاچاق مواد مخدر، بی توجهی به حقوق اساسی شهروندان را توجیه و در عمل اصلاحات دموکراتیک را از دستور کار سیاسی کنار گذاشته اند.

بیش از پیش رهبران کشورهای آسیای مرکزی را مورد پشتیبانی همه جانبه قرار دهند.<sup>۱۹</sup> از دید احمد رشید، یکی از تحلیلگران، هدف از اینگونه حمایتها تنها یک چیز بوده است: درگیر کردن این جمهوریها در «جنگ با تروریسم» بی هرگونه انگیزه ای برای تشویق دولتهای منطقه به پیشرفت به سوی دموکراسی.<sup>۲۰</sup> دووانف یکی از روزنامه نگاران قزاق درباره پشتیبانی مالی آمریکا از دولت قزاقستان می نویسد واشنگتن به دولت قزاقستان پول می دهد تا دموکراسی را گسترش دهد، اما «حکومت [نظربایف] چیز دیگر در سردارد» و آن عبارت است از «گردآوری ثروت شخصی، به دست آوردن قدرت بیشتر و وارد کردن فشار بیشتر بر گروههای مخالف [دولت].»<sup>۲۱</sup> در واقع باید گفت که کمکهای واشنگتن بیشتر در خدمت رژیمهای این کشورها بوده است، نه مردمان آنها.<sup>۲۲</sup> دولت آمریکا از سیاستهای غیردموکراتیک رهبران سیاسی منطقه بویژه کریم اف پشتیبانی کرده و حتی انتقادهای از این حکومتها در زمینه رعایت نشدن حقوق بشر را نادیده انگاشته است. رسلان شاریف، از انجمن حقوق بشر از بکستان، در اکتبر ۲۰۰۱ اعلام کرد: «آمریکا بر فشارهای [بین المللی] در پیوند با وضع [بد] حقوق بشر در ازبکستان سربوش خواهد گذاشت... و شرایط بسی بدتر هم خواهد شد.»<sup>۲۳</sup> نکته جالب اینکه پشتیبانی از چنین سیاستهایی، در چالش با این نظر دانا و هر اماچر (Dana Rohmacher) عضو کنگره آمریکا است که در ژوئیه ۲۰۰۲ گفت: «لازم است بگذاریم جهانیان بدانند که آمریکا دوست رژیمهای توتالیتر یا گانگسترهایی که به ضرب و شتم مردمان می پردازند یا آنان را می کشند و به آنها اجازه نمی دهند سرزمینشان را از راه رأی دادن اداره کنند.»<sup>۲۴</sup> با نگاهی گذرا به اوضاع کشورهای آسیای مرکزی، متناقض بودن رفتار و گفتار دولت آمریکا آشکار می شود.<sup>۲۵</sup> دولتهای این منطقه در سایه پشتیبانی آمریکا، سیاستهای محدودکننده آزادی را پی گرفته اند و حقوق اساسی شهروندان را نادیده گرفته اند. در واقع «جنگ با تروریسم» فرصتی برای رهبران کشورهای آسیای مرکزی پدید آورد تا بر انتقادهای بین المللی از رفتار غیر دموکراتیک حکومتهای خود



○ طبیعت نظام رهبری در جمهوریهای آسیای مرکزی آثار منفی بر حرکت این جوامع به سوی اصلاحات دموکراتیک داشته است. رهبران این کشورها در فضایی غیردموکراتیک، توتالیتر، تمرکزگرا و کمونیستی رشد کرده‌اند و تجربه اندوخته‌اند و از همین رو نخواهند توانست بیرون از چارچوب ذهنی و بینشی خود، زمینه‌های لازم را برای برپایی جامعه‌باز و دموکرات فراهم کنند.

دگرگونی‌های دموکراتیک پدید خواهد آمد. به هر رو داوری در این زمینه چندان آسان نیست و باید چشم به راه آینده بود.

### بهره سخن

طبیعت نظام رهبری در جمهوریهای آسیای مرکزی آثار منفی بر حرکت این جوامع به سوی اصلاحات دموکراتیک داشته است. رهبران این کشورها در فضایی غیردموکراتیک، توتالیتر، تمرکزگرا و کمونیستی رشد کرده‌اند و تجربه اندوخته‌اند و از همین رو نخواهند توانست بیرون از چارچوب ذهنی و بینشی خود، زمینه‌های لازم را برای برپایی جامعه‌باز و دموکرات فراهم کنند.

در این میان مسائلی همچون مبارزه با جنبشهای اسلامی، درگیریهای قومی و قاچاق مواد مخدر این رهبران را به سوی سیاستهای تندتر رانده است، به گونه‌ای که به بهانه رویارویی با خطرهای یاد شده فضای جامعه را آشفته ساخته‌اند.

بر سر هم درباره نقش نخبگان سیاسی در زمینه اصلاحات دموکراتیک می‌توان گفت که بارهبران کنونی، چشم اندازی روشن برای دموکراتیزه شدن کشورهای آسیای مرکزی وجود ندارد یا دست کم امید

درگیریهای قره‌باغ» در آسیای مرکزی «اما صد بار بدتر از آن» بینجامد.<sup>۳۰</sup> بر این پایه، کریم‌اف تصریح کرده است که قدرت بسیار مورد نیاز است تا از خونریزی و درگیریهای قومی و برخوردهای شهری جلوگیری و صلح و ثبات در کشور برقرار شود. اما همچنان که الورت (Allworth) گفته است، نخبگان سیاسی ایده‌ها و خواسته‌های شهروندان را فراموش کرده و تنها در پی پاسداری از قدرت خود بوده‌اند.<sup>۳۱</sup> در زمینه قاچاق مواد مخدر از افغانستان به این کشورها یا ترانزیت آن از آنجا به روسیه و سپس به اروپا، باید گفت هر چند این مسأله می‌تواند برای شهروندان و امنیت جمهوریهای آسیای مرکزی خطری جدی شمرده شود، اما در عمل به گونه بهانه‌ای برای اجرای سیاستهای تند از سوی دولت‌ها و مهمتر از آن ابزاری توجیهی برای خودداری آنها از دست زدن به اصلاحات سیاسی در آمده است.

مشکل دیگری که رهبران سیاسی در آسیای مرکزی با آن روبه‌رویند، بالا بودن میانگین سنی آنهاست و باروی آوردن پیری به این نخبگان سیاسی، بی‌گمان احتمال دگرگون شدن رفتارشان و گرایش یافتن آنان از یک نظام بسته به یک نظام باز دموکراتیک خود به خود کم‌رنگ می‌شود؛<sup>۳۲</sup> اگر چه خود این مشکل می‌تواند در آینده روزه امید برای جامعه بگشاید. برای فرایند جایگزینی دو احتمال وجود دارد: یکی اینکه فرزندان جانشین پدران شوند، مانند آنچه در آذربایجان پیش آمد و الهام علی‌اف پس از پدرش حیدر علی‌اف قدرت را به دست گرفت؛ احتمال دوم و قوی‌تر اینکه از راه انتخابات، رهبران تازه‌ای متفاوت با رهبران کنونی بر سر کار آیند. اما پرسش این است که در صورت دست به دست شدن قدرت و بر سر کار آمدن نسلی تازه از رهبران سیاسی، آیاراه و شیوه تازه‌ای در این جمهوریها در پیش گرفته خواهد شد یا همان راه و روش سیاستگذاران کنونی ادامه خواهد یافت. چنانچه رهبران تازه همان راهی را در پیش گیرند که رهبران کنونی پیموده‌اند، اوضاع کمابیش همچون گذشته خواهد بود و گامی چشمگیر به سوی دموکراسی برداشته نخواهد شد؛ اما اگر رهبران تازه راهی دیگر برگزینند و به اصلاحات سیاسی گرایش داشته باشند، امید به

کنید به:

“Niyazov’s Turkmenistan: the land of personality cult” Islamic Human Right Commission, UK, June 4, 2003.

۱۰. نگاه کنید به:

ICG, “Central Asia: Islamist Mobilisation and Regional Security”, **Asia Report**, No. 14, Osh/Brussels, 1 March 2001, 1-6.

۱۱. نگاه کنید به:

Enayatollah Yazdani, “Iran’s Policy towards Central Asia and its implications for US-Iran Relations”, **International Journal of central Asian Studies**, Vol. 10, Korea, 2005, pp. 131-151

12. Dianne L. Smith, **Central Asia: A new great game?**, US Army War College, 1996, pp. 6-7

۱۳. نگاه کنید به:

Enayatollah Yazdani, ‘Political reform in Central Asia: Role of leadership’, **The Bulletin of Centre for Arab and Islamic Studies**, Vol. 10, No. 2, 2003, pp. 5-6.

۱۴. سخنرانی کریم اف در پارلمان ازبکستان در ۱۹۹۸ به نقل از:

BBC Monitoring report of Uzbek Radio, Second Program, May 1, 1998.

۱۵. به نقل از:

Mehrdad Haghayeghi, **Islam and Politics in Central Asia**, ST. Martin’s Press, New York, 1995, p.141.

۱۶. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

Ahmed Rashid, **Jihad: The Rise of Militant Islam in Central Asia**, Yale. University Press, New Haven, 2002

17. **The World Uyghur Network News**, Produced by the Eastern Turkistan Information Centre, No. 78, 4 May 1998.

۱۸. مراجعه کنید به:

Mehrdad Haghayeghi, همان، صص ۱۵۸-۱۶۰  
 “US lawmakers urge Central Asia to adopt; democracy to stem fundamentalism”, Agence France-Press, 2 November 2000 و عنایت‌الله یزدانی، «نقش اسلام در آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۸۳، صص ۱۹۵-۲۱۲.

۱۹. نگاه کنید به: Enayatollah Yazdani, “Iran’s Policy towards Central Asia and its implications for US-

در این زمینه بسیار اندک است. بی‌گمان دموکراسی هنوز به این کشورها راه نیافته است، و تاهنگامی که گروه تازه‌ای از رهبران غیر کمونیست و خواهان دگرگونی‌های دموکراتیک جانشین رهبران کمونیسم زده کنونی نشوند، این جوامع به دموکراسی دست نخواهند یافت.

## یادداشتها

1. Jim Nichol, “Central Asia’s New States: Political Developments and Implications for U.S. Interests”, Issue Brief for Congress, Updated 19 December 1996, and 18 May 2001.

۲. نگاه کنید به: Yilmaz Bingol, “Nationalism and democracy in post-communist Central Asia”, **Asian Ethnicity**, Vol. 5, No.1, February 2004, pp. 43-60.

۳. رئیس جمهوری پیشین تاجیکستان رحمان نبی اف نیز رئیس حزب کمونیست آن کشور بود.

۴. نگاه کنید به:

John Anderson, **Kyrgyzstan: Central Asia’s island of democracy**, Harwood, London, 1999.  
 International Crisis Group (ICG), “Kyrgyzstan at Ten: Trouble in the ‘Island of Democracy’”, **Asia Report**, No. 22, Osh/Brussels, 28 August 2001, pp.4-39.

۵. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

C. Boehm, “Democracy in Kyrgyzstan: Reforms, Rhetoric and Realities”, Paper presented at Conference: ‘Post-communism Anthropology’, Department of Anthropology, University of Copenhagen, Copenhagen, 12/14 April 1996.

۶. نگاه کنید به:

Geoffrey Jukes, “Central Asia”, at: <http://www.cerc.unimelb.edu.au/bulletin/bulju197.htm> [accessed 14/5/2006].

7. Akayev, Askar, President, Kyrgyzstan: **An Economy in Transition**, Canberra: Asian Pacific Press at the Australian National University, 2001.

۸. به نقل از:

R.G. Kaiser, ‘Kazakh’s Season of Repression’, **The Washington Post**, 22 July 2002, p.9

۹. برای مطالعه بیشتر درباره کیش شخصیت و نیازف مراجعه

**Demokratizatsiya**, Vol. 11, No.1, Washington, Winter 2003, pp. 86-95.

و

ICG, "Central Asian perspective on 11 September and the Afghan crisis", **Central Asia Briefing**, Central Asia/ Brussels, 28 September 2001, pp. 1-16

۲۷. به نقل از:

T. Umbetaliyeva, 'Kazakstan: Nazarbayev's Gamble', RCA, No. 121, Almaty, 24 May 2002.

28. G. Beketova and S. Ibyshva 'Kazakstan: US Military Deal', **RCA**, No. 130, 19 July 2002.

۲۹. برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به:

ICG, "Central Asia: Drugs and conflict", **Asia Report**, No. 25, Osh/ Brussels, 26 November 2001, pp. 1-30.

۳۰. به نقل از September 14, 1992, FBIS-SOV-92-178, 14 September 1992, pp. 35-3

M. Imakeev, and O. Borisova, به نگاه کنید، "Karimov Expresses Regional Stability Fears", **RCA**, No. 171, 20 December 2002, pp. 21-23

31. Allworth, ed., **Central Asia, 130 Years of Russian Dominance: A Historical Overview**, pp. 45-52 and 62-71,

همچنین نگاه کنید به:

K. Collins, 'Clans, Pacts, and Politics in Central Asia', **Journal of Democracy**, Vol. 13, No. 3, July 2002, pp. 137-153, and R. Rose, "How Muslims View Democracy: Evidence from Central Asia", **Journal of Democracy**, Vol. 13, No.4, October 2002, pp. 102-126.

۳۲. اسلام کریم اف ۶۸ سال (متولد ۳۰ ژانویه ۱۹۳۸)، صفر مرادنیازف ۶۶ سال (متولد ۱۹ فوریه ۱۹۴۰)، نورسلطان نظر بایف ۶۶ سال (متولد ۶ ژوئیه ۱۹۴۰)، امام علی رحمان اف ۵۴ سال (متولد ۵ اکتبر ۱۹۵۲) و عسکر آفایف (رییس جمهور پیشین قرقیزستان) ۶۲ سال (متولد ۱۰ نوامبر ۱۹۴۴) دارند.

ICG, "The IMU and Hizb-ut-Tahrir: Im- and Iran implications of the Afghanistan campaign" Central Asia

Briefing, Central Asia/Brussels, 30 January 2002, pp.1-16

20. IWPR, 'Will US Policy Backfire in Central Asia?' ,pp. 1-11.

21. S. Duvanov, 'Democracy as the Americans see it?' ,at

<http://iicas.org/english/enlibrary/libr18-01-01.htm> [accessed 12/3/2006].

۲۲. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

Human Rights Watch Report, Creating Enemies of the State: Religious Persecution in Uzbekistan, Human Rights Watch, New York, March 2004, and IWPR, op.cit., pp.9-15.

۲۳. به نقل از:

D. Hiro, 'Bush's Uzbek Bargain', **The Nation**, 29 October 2001, p.2.

۲۴. سخنرانی دانا روهرا ماچر در کنگره آمریکا در ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۲، **Congressional Record**, Vol. 148, No. 10026, July 2002, p. H5061.

۲۵. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به، G. John Ikenberry, "Why export democracy? The Hidden Grand Strategy of American Foreign Policy", **The Wilson Quarterly**, Vol.23, No.2, Spring 1999, pp. 56-65 و Robert Kagan, "Democracy and Double Standards", **Commentary**, Vol. 104, No.2, August 1997, pp. 19-26.

۲۶. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به:

Martha Brill Olcott, "Democracy, Human Rights, and the War on Terrorism in Central Asia", Testimony before the US Senate Foreign Relations Committee, Subcommittee on Central Asia and the Southern Caucasus, Carnegie Endowment for International Peace, Washington, 27 June 2002

Martha Brill Olcott, "The war on terrorism in Central Asia and the case of democratic reform",